

قرار ساعت ۲۲

مجموعه داستان

نویسندگان دوره های آموزشی آل جلال (۱)



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



عصر داستان

تهران، ۱۳۹۶

سرشناسه: غفارزادگان، داوود، ۱۳۳۸-، گردآورنده، ناظر
زمان و تاه، بدیدآور: قرار ساعت ۲۲: مجموعه داستان نویسندگان دوره‌های آموزشی آل جلال (۱)
/ گردآورنده / زیر نظر: داوود غفارزادگان؛ [ابه سفارش] بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایران.
محصولات نشر: تهران: عصر داستان ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۲۲۴ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۰-۱۶۰۹

وضعیت فهرست‌نویسی: فهرست‌نویسی

عنوان دیگر: مجموعه داستان نویسندگان دوره‌های آموزشی آل جلال (۱).

موضوع: داستان‌های کوتاه، رسی — ۱۴ — مجموعه‌ها

موضوع: Short stories, Persian--20th century--Collections

شناسه افزوده: بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایران

رده بندی کنگره: ۴۱۳۹۶ ق ۴۷/۹/۴۳۰۹

رده بندی دیویی: ۸۳۳/۶۲۰۸

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۸۱۲۷۹



عصر داستان

قرار ساعت ۲۲

مجموعه داستان نویسندگان دوره‌های آموزشی آل جلال (۱)

زیر نظر: داوود غفارزادگان

ناشر: عصر داستان

طرح جلد: سامان گودرزی

نوبت چاپ: اول-۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰

موضوع: مجموعه داستان‌های کوتاه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۷۰-۱۸-۹

قیمت: ۱۷۰۰۰ تومان

بی مقدمه:

یک راست می روم سراصل مطلب؛ این مجموعه حاصل دو دوره کار کارگاهی ست. مدت هر دوره سه ماه بود. هنر جوها از همه جای ایران بودند. چند تایی داستان نویس افغانی هم داشتیم البته. طبق معمول این سال ها تعداد خانم های داستان نویس بیش تر از آقایان بود. جدی تر هم بودند در کار. سن و تحصیلات و شغل ها متفاوت بود. از زیر ۲۰ سال تا بالای ۷۰ سال و از خانه دار تا دکترا. نقطه مشترک همه «داستان» بود و من معلم داستان نویسی شان.

کاری که ما کردیم در وهله اول درست خواندن بود. درست خواندن کلید درست نوشتن است. و در بحث فهمیدن کلید لذت بردن از یک اثر ادبی و هنری. پس به جای تئوری داستان خواندن متوسط ها و بد ها را گذاشتیم کنار و شاهکارها را خواندیم. شاهکارها بر خلاف همه ها و متوسط ها ساده تر. انسانی تر و زیباتراند. از جویس و فاکتر و بکت تا «ار. هنری» و «چخوف و موپاسان» از داش آکل هدایت تا گدای ساعدی... و اگر به تئوری رسیدیم هم از داستان به تئوری رسیدیم. مثل کسی که از گلستان سعدی به دستور را. الفاسی می رسد و برای این که فارسی را درست و خوب بنویسد تاریخ بیهقی یا اسرار را می خواند.

اتفاقی که در این مدت افتاد این بود که همه در معنی نوشتن قرار گرفتیم. مثل شاخه ی خشکی که در معرض باد بهاری قرار می گیرد و می شکند - با خواندن همین داستان ها و سرک کشیدن در متون کهن فارسی و با باریک شدن در کابوس ها و دلخوشکنک ها مان به سمت نوشتن سوق داده شدیم. من به عنوان معلم به کسی نگفتم از چه بنویسد و اگر گفتم از چه گونه نوشتن گفتم. رای کسی دغدغه داستانی نتراشیدم. نخواستم کسی نسخه بدل خودم شود. هر آن است که هر کسی صدای خودش را کشف کند. حالا حاصل این افت و خیزها به شرحی شماسست. در این جمع کسی ادعای حرفه ای بودن ندارد. اما دیر و دور نیست اگر بگویم چند تایی از داستان نویس های آینده کشور از میان همین جمع بر خواهند خاست. داستان ها را بخوانید و اسم ها را به خاطر بسپارید.

سر آغاز

دور نیست روزی که بعد از مشورت‌های بسیار با اهل ادب و مدیریت فرهنگی به این نتیجه رسیدیم که یکی از کارهای اصلی در بنیاد شعر و ادبیات داستانی باید کشف و آماده‌سازی زمینه برای رشد استعداد‌های ادبی باشد.

بعد از این مشورت‌ها و مطالعات تصمیم گرفتیم دوره‌هایی برگزار کنیم تا آن‌هایی که حس می‌کنند استعدادی در زمینه داستان‌نویسی دارند دور هم جمع شوند و یک زمانی را (هرچند کوتاه) در کنار هم زندگی کنند، با محوریت داستان. این دوره‌های سه‌روزه برگزار شد و فرصتی به دست آمد تا نویسندگان و اساتید برجسته با ادیب‌های جوان هم‌نشین و هم‌کلام شوند؛ مجید قیصری، رضا امیرخانی، مصطفی باغچه‌بان، سید دهقان، ابراهیم زاهدی مطلق، جواد جزینی، سیامک گلشیری، قاسم علی‌فر است، محمدرضا بایرامی، خسرو باباخانی، احمد شاکری، حمیدرضا شاه‌آبادی، حسین فتاحی، مهدی یزدانی خرم، ابوالفضل حری، فیروز زنوزی جلالی، کوروش علیانی، مهدی حجوانی، شهریار عباسی، راضیه تجار، گلعلی بابایی، محمدرضا جوادی یگانه، حبیب‌الله سناراده، علی‌اصغر سیدآبادی و چندین نویسنده و منتقد دیگر تجربیاتشان را با جوان‌ترها به اشتراک گذاشتند در هشت دوره‌ای که برگزار شد. از بین شرکت‌کنندگان این هشت دوره هم با ابراز علاقه ادبجویان و بر اساس آثاری که ارائه دادند دوره پیشرفته‌تری برگزار شد که استاد آن دوره پیشرفته جناب آقای داوود غفارزادگان بود. در این دوره پیشرفته که تلفیقی از جلسات مجازی و حقیقی بود، حدود پنجاه نفر به مدت سه ماه متوالی هر شب در یک گروه مجازی گرد هم می‌آمدند و به نوعی سر جلسه حاضر می‌شدند.

قرار ساعت ۲۲، قرار دلدادگی جوانانی است که ادبیات داستانی را در بالاترین سطح می‌جستند و در کنار جناب غفارزادگان که الحق معلمی تمام می‌شد، می‌نویسند آن‌را یافته بودند. این جلسات و این قرار شبانه چنان شوقی در ادبجویان برانگیخت که کم‌کم به قراری دوستانه بدل شد و جمع رنگ و بوی اخوت گرفت. پیشرفت شرکت‌کنندگان چنان محسوس بود که شوق استاد هم برانگیخته شد و ما را نیز در بنیاد خرسند کرد از این که تصمیم و روشمان درست بوده. کتاب قرار ساعت ۲۲، نتیجه تلاش‌های همکارانم در بنیاد شعر و ادبیات داستانی، به ویژه جناب ابراهیم زاهدی مطلق، معاون داستان بنیاد است که طی حدود یک سال ادبجویان را از دوره‌های مقدماتی به جایی می‌رساند که در تراز بسیار بالایی داستان بنویسند و

البته دیگر ادامه راه بر عهده خودشان است.

طراحی مدرن این فرایند هماهنگ با ظرفیت‌های به‌روز و براساس محدودیت‌هایی مثل پراکندگی فوق‌العاده جغرافیایی ادبجویان و صرفه‌جویی در هزینه‌ها قابل‌الگوبرداری برای مجموعه‌هایی است که فعالیت‌های آموزشی در تربیت استعداد را در برنامه دارند.

با اینکه دوره ما پایان یافته ولی هنوز گاهی هم ما و هم استاد و هم بچه‌های این دو دوره پیشرفته سر ساعت ۲۲ شب ناخودآگاه سراغ فضای مجازی می‌رویم و به یاد شیرینی آن قرار می‌افتیم، قراری پراز یادگیری، پراز داستان و پراز دوستی، بنیاد شعر و ادبیات داستانی که در طراحی این دوره با نظریه عدالت توزیعی و تم‌گزیدایی افتخار دارد با حذف مانع دوری از مرکز، بهترین شرایط رشد را برای نویسندگان سراسر کشور ایجاد کرده است، برای جناب غفارزادگان به عنوان معلم و نویسندگان این مجموعه به عنوان ادبجویان آرزوی توفیق روزافزون دارد. ادبیات داستانی نام این برنامه است. گان را در آینده بیشتر خواهد شنید.

مدیر عامل بنیاد شعر و ادبیات داستانی ایرانیان

مهدی قرلی

- قالب‌های شکسته (طیبه نجیب / قم) ۱۱
- زن ممد مراد (شیما متقی نسب / تهران) ۱۵
- بچه جن (فاطمه رضایی برفونی / قم) ۲۱
- مادر خوب (زهره نوری / اهل افغانستان) ۳۱
- از پنجره (فاطمه امامی / اهل افغانستان) ۳۵
- رنگ حنا (اکرم زیبایی / کرج) ۴۱
- دل آشوب (همسر شهید حمیده شفیعی / کرمان) ۴۵
- سربوان (شهیر کاوه / کرمانشاه) ۴۹
- شکفته‌های سبب (نرگس رضائی / کهگیلویه و بویراحمد) ۵۵
- مادر رخ (رضیه محمدپور / تهران) ۵۹
- امری فرشته (سیده مریم بازرگانی / زنجان) ۷۱
- خواه نداشتی من (مریم ساحلی / بندر انزلی) ۷۹
- درزهای بد (هشتمین / محمد جواد عسکری باقرآبادی / بافق) ۸۵
- گرگ (زهره لطف / اردبیل) ۹۳
- در امتداد روز (داوود نفاذی / تهران) ۹۹
- زبان آتش (کیانا اشتیری / اراک) ۱۰۵
- روی خط دکل (مجتبای نیک سرست / رفسان) ۱۱۳
- مرگن (احمد سوسرابی / گلستان) ۱۱۹
- مرده خوار (سحر رفیع / تهران) ۱۲۳
- حوضچه‌ی زیر آبشار (حدیثه سنجری / نجف / جیرفت) ۱۳۱
- دار حلقه (سارا خادمی پور / اندیمشک) ۱۳۷
- گوزن (محمد رفیعی شیخ حسین / کهگیلویه و بویراحمد) ۱۴۵
- جان معصوم (مهتاب هوشیاری / اهواز) ۱۵۵
- سفره (سمیه سلطان پور / مازندران) ۱۶۱
- سیریز (مرضیه قاسمی راد / هستی) / کرمان ۱۶۷
- رژلب (قدسی خان بابایی / قم) ۱۷۱
- مثل او (فرزاد خدنگ / قوچان) ۱۷۷
- یک جننل من واقعی (سعید حسین پور / ملایر) ۱۸۳
- محله نو (محمد لله گانی / چهار محال بختیاری) ۱۸۹
- خانم جان (اکرم بادی / قم) ۲۰۱
- ناامیدش نکن (فاطمه کیانی / رها) / اهواز ۲۰۷
- مرزبانان (میثم خورانی / ایلام) ۲۱۱
- عروسک پارچه‌ای زشت (اعظم ایزد یار / اندیمشک) ۲۱۷